

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوره معاصر

حمید اسدپور^۱

چکیده: بندر بوشهر به عنوان یکی از بنادر مشهور و تاریخی دارای جایگاه مهمی در اقتصاد، سیاست، تاریخ و دریانوردی ایران و خلیج فارس بوده است. بندر بوشهر در طول دوره افشاریه، زندیه، قاجاریه و حتی بخشی از دوران پهلوی اول نه تنها بزرگترین بندر ایران در جنوب کشور بشمار میرفت بلکه مهمترین و مشهورترین بندر خلیج فارس نیز محسوب میشد بطوری که حدود بیست کشور خارجی در آن دارای کنسولگری بودند. اقتصاد بوشهر در قرن نوزدهم میلادی بر پایه تجارت و دریانوردی تجاری استوار بود. گسترش تجارت دریایی بوشهر در طول قرن نوزدهم موجبات شکل گیری یک جامعه تجاری قدرتمندی را در بوشهر فراهم کرد بگونه ای که تجار بزرگ و صاحبان سرمایه از سراسر ایران به بوشهر مهاجرت نموده و در آن ساکن گشتند.

علیرغم این جایگاه برجسته تاریخی، بوشهر در نیمه دوم قرن بیستم از توسعه بازماند و جایگاه خود را به رقبای خود همچون بندرعباس، اهواز و شیراز واگذار کرد بطوری که اینک جزو بنادر درجه دوم خلیج فارس بشمار میرود. این پژوهش در پی آن است که موانع تاریخی توسعه بوشهر را مورد کاوش قرار دهد و بنابراین پرسش محوری این پژوهش این خواهد بود که موانع تاریخی توسعه بوشهر کدام موانع هستند؟ فرضیه اصلی این مطالعه این است که ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر به موازات یک سلسله از عوامل دیگر زمینه های افول بوشهر را رقم زده است. بدیهی است که سایر عوامل نیز در این پژوهش مورد بررسی واقع میشوند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته های تحقیق نشان میدهند که توسعه بوشهر منوط به برطرف شدن موانع تاریخی می باشد.

واژگان کلیدی: بوشهر، خلیج فارس، توسعه، بازرگانی، جامعه تجاری، موانع تاریخی

مقدمه:

بندر بوشهر شبه جزیره ای است که در جنوب غربی ایران و شمال شرقی خلیج فارس جای گرفته و مساحت آن ۹۸۴ کیلومتر مربع است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. (www.amar.org.ir) پیشینه تاریخی بوشهر به عهد تمدن ایلامیان میرسد و آثاری از آن دوره در بندر بوشهر بدست آمده است (کامرون جورج، ۱۳۶۵؛ ۹۷) که نرین سندی که نشان از وجود خط و کتابت در فلات ایران را بدست میدهد در بوشهر بدست آمده که متعلق به دوره ایلامی ها است و سابقه آن به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح میرسد (پزارد موریس، ۱۲۳، ۱۳۸۴). در دوره ایلامی ها بندر بوشهر را لیان می نامیدند (وثوقی محمدباقر، ۱۳۷، ۱۳۸۴). در عهد هخامنشیان لیان همچنان نقش بندری و تجاری خود را حفظ کرد و دولت هخامنشی در پس کرانه

^۱. دانشگاه عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس asadpour22@gmail.com

های لیان، شهر تموکن که نام دیگر آن تاوکه است را در محل فعلی برازجان تاسیس کرد. (اسدپور ۴۴: ۱۳۹۵) در دوره ساسانیان نیز بندری نوبنیاد در شبه جزیره بوشهر ساخته شد که تاسیس آن را به اردشیر بابکان نسبت میدهند. (مظفری زاده، ۴۳: ۱۳۹۵)

بندر بوشهر کنونی بندری جدید و شهری نوبنیاد است که حدود سیصد سال پیش در عهد نادرشاه افشار تاسیس شد و مدتی هم بندر مبارکه نادریه نامیده شد (لکههات، ۱۳۱، ۱۳۵۷). قبل از تاسیس بوشهر شهر ریشهر که در جنوب شبه جزیره قرار داردمورد توجه بود. تاسیس بندر بوشهر نتیجه اراده نادرشاه برای ایجاد کانون تجاری و نظامی جدید در خلیج فارس بوده است. (اسدپور ۱۳۹۷، ۳۴۴) بعد از نادرشاه و در عصر کریمخان زند بندر بوشهر همچنان به ترقی خود ادامه داد. حکام محلی بوشهر به منظور کسب موفقیت در رقابت تجاری با سایر بنادر و مراکز تجاری خلیج فارس، زمینه های مساعدی را برای جذب بازرگانان و دریانوردان بوجود آوردند و بدین ترتیب جایگاه بوشهر رفته رفته تقویت و مستحکم شد. از لحاظ چهارچوب نظری این مقاله با تکیه بر اهمیت شهر و کارکردهای آن در توسعه به بررسی موانع توسعه بوشهر در دوران معاصر می پردازد. نظریه کارکرد شهرها و نقش کارکردها در توسعه ناظر به مباحث این مقاله می باشد. به موازات افزایش اهمیت تجاری و دریانوردی تجاری در بوشهر، جایگاه سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر در دوره قاجاریه ارتقا یافت. بندر بوشهر از عصر زندیه به محل سکونت و حضور نمایندگی کمپانی هند شرقی و سپس نمایندگی مقیم بریتانیا در خلیج فارس و یا همان رزیدنسی Residency تبدیل شد که بعداً به کنسولگری انگلستان تغییر یافت. نمایندگان بریتانیا از ۱۷۶۳ میلادی تا ۱۹۴۶ میلادی در بوشهر حضور داشتند. (برومند صفورا، ۱۳۸۱، ۴۱) هلندیان نیز در سال ۱۷۳۸ میلادی در بوشهر دارای دفتر نمایندگی تجاری بودند اما پس از قتل نادرشاه این دفتر تعطیل شد (اسدپور، ۱۳۹۷، ۳۵۱). بعد از ماجرای هرات و تهاجم بریتانیا به جزیره خارگ و تهدید بوشهر، توجه مقامات قاجاریه به بوشهر خصوصاً و خلیج فارس عموماً افزایش یافت و این موضوع خود به افزایش اهمیت سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر افزود. در بندر بوشهر علاوه بر بازرگانان ایرانی و مسلمان تجار غیرمسلمان اعم از ارمنی، یهودی، زردتشتی و غیره نیز حضور داشتند و به این ترتیب جامعه تجاری خاصی که گفتمان حاکم بر آن مدارا و چندگونگی فرهنگی بود شکل گرفت. (سعادت محمدحسین، ۱۳۹۰، ۲۱). با وجود انتشار کتب و مقاله های متعدد درباره تاریخ بوشهر، مطالعه مستقلی تحت این عنوان صورت نگرفته و این نخستین مقاله در این حوزه بشمار میرود.

توسعه و مفهوم آن:

واژه توسعه همانا ترجمه کلمه Development در زبان انگلیسی است. Develop به معنای ظهور است (طالبان محمدرضا، ۲۴، ۱۸۴) در فرهنگ انگلیسی آکسفورد واژه Development به معنای بازشدن تدریجی و بارز شدن کامل اجزای هر چیزی آمده است (باتامور، ۱۳۵۷، ۳۲۵) با این وجود، تعاریف بسیار متعدد و متنوع برای مفهوم توسعه از سوی صاحب نظران بیان شده است. توسعه یک مفهوم علمی و اجتماعی است که مابه ازای عینی و تجربی دارد. توسعه تحولی چند بعدی است که البته ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن مورد تاکید تمام نظریه پردازان این حوزه است. آمارتیا سن، توسعه را فرایند گسترش آزادی واقعی که مردم از آن سود میبرند میداند. (آمارتیا سن، ۱۳۸۶، ۱۷۸) البته وی نیز اذعان دارد که بیان تعریفی از توسعه که مورد قبول همگان باشد به هیچ عنوان موضوع ساده و آسانی نیست و بنابراین در مقدمه کتابش چنین می نویسد: این منظر از توسعه یعنی تاکید بر آزادی بشر با دیدگاههای تنگی که توسعه را با عناوین و معیارهایی چون رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری و یا مدرنیزه شدن مشخص می کنند در تضاد است. (آمارتیا سن، ۱۳۸۳، ۱۱۳) با تمام این تفاوت ها و تعارضاتی که بین صاحب نظران وجود دارد میتوان گفت که هدف توسعه در یک کلام ارتقا کیفیت زندگی است (ملایی مریم، ۱۳۹۵، ۲۲).

اگر توسعه را یک فرایند پویا و همه جانبه در نظر آوریم که طی آن جامعه از ایستایی و رکود دور شده و با انجام تغییرات ناگزیر، زمینه های پویایی و تکامل حیات فردی و اجتماعی اعضای جامعه را فراهم می کند آنگاه میتوان باصراحت به این موضوع اشاره کرد که مهمترین نمود و مظهر این نوع از توسعه همانا در ابعاد اجتماعی و اقتصادی همراه با دسترسی عادلانه افراد به فرصتها و آزادی ها ظاهر خواهد شد.

بوشهر در عصر قاجاریه به علت شرایط وزمینه های موجود از اقتصادی پویا و اجتماعی فعال برخوردار بود اما در دوره بعد با بروز موانع این اقتصاد پویا و جامعه فعال دچار رکود و رخوت شد. بوشهر در مقایسه با سایر بنادر و کانونهای تجاری خلیج فارس در عصر قاجاریه شهری بزرگ و پرجمعیت بود که از امکانات رایج آن روزگار بهره میبرد. تاسیسات جدیدی شهری، امکانات فرهنگی، چاپ و انتشار روزنامه و کتاب بخشی از این امکانات بود. ورود و آشنایی مردم بوشهر با مظاهر جدید و مدرن همچون گمرک، پست، بیمارستان، تلگراف و تلفن و حتی فوتبال زمینه های ارتقا سطح زندگی و خدمات را در بوشهر افزایش داده بود. به موازات این خدمات و امکانات شهری، فعالیت های مدنی، اجتماعی نیز در بوشهر از سطح قابل قبولی در مقایسه با همگان خود برخوردار بود. جامعه روشنفکری بوشهر، تجار و بازرگانان و حتی علما در عرصه فعالیت های مدنی و اجتماعی پیشتاز بودند و مشارکت داشتند. وقف و گسترش آن در این دوره از تاریخ بوشهر بی نظیر و بی مثال هست. همان اندازه که تجارت و اقتصاد بوشهر در آن دوره گسترش یافت و اوقاف نیز گسترش یافت این در حالی است که بنا به اظهارات مقامات وقف در حال حاضر اوقاف در بوشهر ضعیف و نحیف است و دست اندازی و دست درازی به اراضی وقفی بشدت افزایش یافته است. (مدیر کل اوقاف بوشهر، هفته وقف، ۱۳۹۷)

جامعه تجاری بوشهر در عصر قاجاریه

بوشهر در آن عصر شهری نسبتا توسعه یافته بود که بزرگترین معیار توسعه یافتگی آن همانا استقرار جامعه ای تجاری قدرتمند از یکسو و جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران از سوی دیگر بود. این وضعیت باعث افزایش سطح زندگی در بوشهر و ارتقا کیفیت حیات اجتماعی شده بود اما از اواسط قرن بیستم میلادی این وضعیت دچار خدشه شد و با بروز علایم و موانع متعدد جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران تضعیف شد و بوشهر از امکانات زمانه دور افتاد و به شهری محروم و درجه سوم بدل شد. بر این اساس پرداختن به موانع توسعه بوشهر بدون توجه به زمینه ها و تحولات تاریخی امکان پذیر نمی باشد و این هدفی است که این پژوهش آن را دنبال می کند. دوران طلایی تجارت در بوشهر که توماس ریکس از آن تحت عنوان دوران رنسانس تجاری بوشهر (سعادت) [۱۳۹۰، ۳۵۳] یاد میکند در دوران قاجاریه نیز تداوم یافت و البته گسترده تر و شکوفاتر شد. در دوران زندیه سنت های تجاری در بوشهر تحکیم شد و در دوره قاجاریه این سنت ها نهادینه گشت. شکوفایی گفتمان تجاری در بوشهر در دوره قاجاریه چند دلیل داشت. نخست اینکه امنیت که نیاز اولیه یک جامعه بازرگانی است وجود داشت. دوم اینکه انتظارات و ملاحظات یک جامعه تجاری رعایت شده و مورد احترام بود. اتفاقا یکی از علل سقوط خاندان آل مدگور در بوشهر در سال ۱۸۵۰ میلادی همانا عدم تحقق انتظارات تجار بوشهر و عدم احترام به خواسته های تجار بود. دلیل سوم آن است که فرهنگ مدارا و بردباری در بوشهر نهادینه شده بود و این جامعه از وجه تمایز خاصی که همانا چند گونگی فرهنگی است برخوردار بود. یکی از ویژگی های ممتاز و برجسته بوشهر در طول دوره قاجاریه همانا تکثیر و گسترش گفتمان تجاری و نهادینه شدن اصول و رفتارهای یک جامعه تجاری بود. منظور از جامعه تجاری جامعه ای است که اقتصاد

ان بر محور بازرگانی آزاد و دریانوردی تجاری استوار بود و بازرگانان و صاحبان سرمایه از ارکان اصلی آن بشمار می رفتند. در آن عصر برخلاف روزگار معاصر، تجار بزرگ و درجه اول، صاحبان سرمایه و سرمایه داران در بوشهر سکونت داشتند و ماهیت شهر تحت تاثیر حضور تجار گوناگون و شرکت های بازرگانی متعدد ماهیتی تجاری و بازرگانی بود و در این شهر کارکردهای تجاری از ارکان اصلی اقتصاد شهر بشمار میرفتند. عبارت دیگر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوشهر در آن عصر تحت تاثیر تجارت و تجار قرار داشت. امروزه ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بوشهر تحت تاثیر تجارت قرار ندارد بلکه تحت تاثیر ساختار اداری، سیاسی و نظامی هست. در حال حاضر بخش عمده ای از فعالیت های بازرگانی در بوشهر را ترخیص کاران کالا برعهده دارند. این بدان معنا نیست که تاجری در بوشهر وجود ندارد بلکه بدان معناست که امروزه تعداد تجار بوشهر اندک است و عمدتاً تجار محلی بشمار میروند. در حالیکه در دوران قاجاریه مشهورترین و ثروتمندترین تجار ایران در بوشهر زندگی کرده و راساً به بازرگانی می پرداختند. این سکونت تجار بزرگ در بوشهر داری ابعاد گوناگونی بود. نخست اینکه گفتمان حاکم بر شهر را یک گفتمان تجاری و اقتصادی می نمود. دوم اینکه مشارکت آنها رادر امور عمومی شهر افزایش داده و آنها را به یک گروه که دارای مرجعیت اجتماعی بودند تبدیل میکرد. سوم اینکه حضور تجار و بازرگانان فراوان در بوشهر سطح زندگی و رفاه و مناسبات شهری را افزایش داده و آن را به شهری متمایز با فرهنگ مداری تبدیل می نمود. این شکوه و ثروت و فرهنگ تکثرگرا در معماری، خانه سازی، بناهای عمومی، خورد و خوراک، پوشاک و گذران اوقات فراغت خود را نشان میداد. چهارم اینکه حضور خانواده ها و بستگان این بازرگانان در بوشهر موجبات فراهم آمدن خدمات و تسهیلات گسترده شهری همچون مدارس و مراکز رفاهی و بهداشتی و ارتباطی می شد و دقیقاً به همین دلیل است که بوشهر بعنوان دروازه ورود مدرنیته به جنوب ایران شهر اولین ها نام گرفته است. پنجم اینکه قدرت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تجار در بوشهر نقش بسیار تعیین کننده ای در سیر تحولات داشت و اقشار و لایه های مختلف اجتماعی از قبیل سیاستمداران، حکام محلی و امرا و علمای دینی شهر همگی تلاش داشتند که جایگاه و منافع تجار در بوشهر رعایت شود. این رعایت و ملاحظه جایگاه و شان بازرگانان در بوشهر متضمن توسعه و شکوه شهر بود. از سوی دیگر قدرت سیاسی و اجتماعی تجار که ناشی از قدرت اقتصادی آنان بود بحدی بود که می توانست جایگاه و منصب امرا و مقامات محلی در بوشهر را به چالش کشیده و موجبات برکناری آنها را فراهم آورد. در واقع یکی از علل اصلی برکناری خاندان آل مذکور در بوشهر در عصر ناصرالدین شاه همانا جلب توجه تجار بوشهری بود. (مظفری، ۳۷۲)

بعد از برکناری آل مذکور در بوشهر حکومت این شهر مدتی بدست حکمرانان و امرایی بود که از تهران و یا حکومت ایالت فارس انتخاب شده و اعزام میشدند. این حکام دارای منصب دریا بیگی بودند تا آنکه در سال ۱۳۰۳ قمری برابر با ۱۸۸۶ میلادی اداره حکمرانی بنادر خلیج فارس تاسیس شد و حکمران بنادر خلیج فارس مقیم بوشهر شد. حاکم بوشهر بعد از این تاریخ حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس بود و قلمرو وی تا بلوچستان و بندر چاه بهار ادامه داشت. (نظام مافی خدیجه، ۳۰، ۱۳۹۱) در بوشهر در آن دوره اداراتی از قبیل کارگزاری امور خارجه، ساخولوی دولتی، گمرک، و کنسولگریهای خارجی مستقر بودند. علاوه بر اینها دفاتر نمایندگی شرکت های بازرگانی داخلی و خارجی و نیز نمایندگی های شرکت های کشتیرانی خارجی نیز مستقر بودند (سعادت، ۲۲). تجار مقیم بوشهر خود به دو دسته تقسیم میشدند. تجار بوشهر دو قسم اند قسمی که عامل دیگران است و حق السعی گرفته مال التجاره تجار داخله را از گمرک مرخص می نماید. قسم دیگر که برای خود تجارت می کنند (همان، ۳۶) همین قسم دوم و یا نوع دوم از تجار بودند که ارکان اصلی اقتصاد بوشهر و ستون فقرات جامعه تجاری آن روز بوشهر را تشکیل میدادند.

در روزگار ما دیگر نام و نشانی از آن بازرگانان معروف و ثروتمند در بوشهر یافت نمیشود و. صد البته این نتیجه عواملی است که در ادامه بدانها خواهیم پرداخت. مقایسه ای بین میزان صادرات و واردات بندر بوشهر با بندرعباس و بندر خرمشهر در دهه بیست خورشیدی و دهه نود خورشیدی نشان میدهد که حتی در بین بنادر ایرانی بندر بوشهر به بندری درجه دوم تبدیل شده و این درحالی

است که بندر بوشهر در اوایل قرن بیستم نه فقط بزرگترین بندر ایران بلکه یکی از مشهورترین و پرجمعیت ترین بنادر خلیج فارس بود. امروزه بندرعباس دارای ۶۸۰۰۰۰ نفر جمعیت است درحالیکه جمعیت بوشهر ۲۳۰۰۰۰ نفر است(مرکزآمار ایران۱۳۹۵)این آمار به تنهایی نشاندهنده نقش این دو بندر در اقتصاددریایی کشور است. در قرن نوزدهم و تا اواسط قرن بیستم میلادی بندر بوشهر بندر اصلی ایران در خلیج فارس بود و بعد از آن بندر خرمشهر و بندر لنگه و بندر عباس قرار داشتند و لی در اواخر قرن بیستم بندر عبلس به بزرگترین بندر ایران در جنوب کشور تبدیل شد. بنا به نوشته سدید السلطنه کبابی در سال ۱۳۳۰ قمری بوشهر سی هزار نفر جمعیت داشته و بندرعباس شش هزار نفر و بندر لنگه هم حدود ده هزار نفر سکنه داشته است(کبابی سدیدالسلطنه،۱۳۷۱/۲۳۵)همانگونه که اشاره شد جمعیت امروزی این بندر قابل مقایسه نیست.

بوشهر در سال ۱۳۳۰ قمری دارای سی هزار نفر جمعیت بود(همان،۳۷). در سال ۱۳۰۰ خورشیدی جمعیت بوشهر ۲۵۰۰۰ نفر برآورد شده و در سال ۱۳۲۰ خورشیدی جمعیت شهر به حدود ۱۵۰۰۰ نفر کاهش یافته بود و روند مهاجرت بخصوص مهاجرت تجار از آنشدت گرفته بود.(پدیدار مجتبی،۲۵۳،۱۳۹۳)لبنه در یک دوره کوتاهی در حد فاصله سالهای پس از مشرویت تا وقوع جنگ جهانی اول تجارت در بوشهر تا حدی احیا شد.(سعیدی نیا حبیب الله،۱۸۳،۱۳۸۹) ولی دوباره بازرگانی دچار رکود شد و مهاجرت بازرگانان از بوشهر بعد از جنگ جهانی اول تشدید شد.در عصر رضاشاه علیرغم برخی سیاستها و اقدامات اداری و اقتصادی بوشهر همچنان دچار رکود شد و تضعیف اقتصاد آن شدت گرفت.نکته مهم درباره اقتصاد و تجارت بوشهر در دوره رضاشاه این است که تفکیک درآمدهای دولت مرکزی ایران از گمرک و بندربوشهر از درآمدها و وضع معیشت تجار و کسبه بوشهر است.توضیح اینکه بر طبق آمارهای موجود در عصر پهلوی اول تحت تاثیر اقداماتی همچون تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت،قانون مبارزه با قاچاق و نیز اصلاح ساختار گمرک، درآمدهای دولت مرکزی در بندر بوشهر افزایش یافت (تقوایی شیوا،۱۳۹۳)ولی وضع معیشت بازرگانان روی به تنزل گذاشت. البته باید تاکید کرد که این اطلاعات و آمارها یکسویه بوده و گمراه کننده هستند زیرا این آمار تنها درآمدهای دولت را نشان میدهند و بیانگر شرایط تجاری و وضعیت بازرگانان بوشهر نمی باشد.

سهم بازرگانان بوشهری و بندر بوشهر در صادرات و واردات کالا در این دوره مرتبا در حال کاهش بود.نگاهی به میزان و آمار صادرات و واردات بوشهر در سال ۱۳۰۴ خورشیدی و مقایسه آن با سال ۱۳۲۰ خورشیدی نشان میدهد که بوشهر جایگاه اول خود را به نفع خرمشهر از دست داده و ه این ترتیب افول اقتصادی بوشهر رقم خورد(نعمتی نورالدین،۱۳۱،۱۳۹۳)افول تجاری بوشهر ناشی از علل متعددی بود که در ادامه بدانها خواهیم پرداخت اما نتیجه فوری آن همانا خروج بازرگانان و صاحبان سرمایه از بوشهر بود.نگاهی به اسامی و تنوع تجار بوشهر در سال ۱۳۰۰ خورشیدی و مقایسه آن با اسامی و تنوع بازرگانان بوشهری در سال ۱۳۲۰ خورشیدی نشان از تغییرات عمده و اساسی میدهد.طبق اسناد و گزارشهای اتاق بازرگانی بوشهر جلد اول که در سال ۱۳۹۳ منشر شده،تجار بوشهر تحت فشارهای شدید قرار داشته و مرتبا مراتب نارضایتی خود را از شرایط تجاری بوشهر اعلام کرده و خواهان حل مشکلات و موانع کار خود شده اند. بر طبق گزارش های متعدد و پیوسته ای که توسط اتاق بازرگانی بوشهر در سالهای گوناگون بخصوص بعد از سال ۱۳۱۰ خورشیدی به تهران ارسال شده،مهاجرت تجار از بوشهر در این سالها شدت گرفته و اکثر ایت تجار مهاجر بوشهر را به مقصدهایی همچون خوزستان،شیراز،اصفهان،تهران،کویت،بحرین و هند ترک کرده اند(پدیدار مجتبی،۱۱۴،۱۳۹۳).با خروج و مهاجرت تجار بزرگ و صاحبان سرمایه از بوشهر که روند آن از جنگ جهانی اول آغاز شده و در دو دهه نخستین قرن جاری خورشیدی شدت یافته بود جامعه تجاری بوشهر رو به ضعف و افول نهاد.اهمیتت جامعه تجاری بوشهر فقط محدود به کارکرد تجاری و اقتصادی آن نبود بلکه این جامعه بانفوذ و تعیین کننده در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی بوشهر تاثیرگذار بود و تضعیف و اضمحلال آن به تضعیف حیات اجتماعی در این شهر منجر میشد.

تجار بوشهر و در راس آنان تجار برجسته ای همچون محمد مهدی ملک التجار، معین التجار و خاندانهای مشهوری همچون خاندان های دهدشتی، کازرونی، هفتمه و شیرازی (دشتی رضا، ۱۳۸۰، ۱۶۵) از ارکان اقتصاد و اجتماع بوشهر بشمار می رفتند. آنها در امور سیاسی شهر نقش مهمی داشتند. اتحاد و یا اختلاف آنها با حاکم شهر میتواند زمینه های رشد و یا سقوط حاکم را فراهم کند. (همان ۶۶) در برخی مواقع تجار بوشهر منبع مهمی برای تامین نیازهای مالی حکومت محلی بوشهر و از جمله نماینده سیاسی و نظامی دولت مرکزی بشمار میرفتند (همان ۱۷۶). همچنین تجار بوشهر نیازهای مالی مردم و عادی را نیز از طریق وام دادن و قرض دادن و اخذ بهره تامین میکردند (همان ۲۰۶). همچنین برخی از تجار دارای چنان نفوذ و قدرتی بودند که می توانستند همانند قوه قضاییه به حبس و زندانی کردن افراد مجرم و یا آزاد کردن آنها بپردازند. (موحد جمیل، ۱۳۸۴، ۷۲) برخی از تجار بوشهر از چنان شهرت و ثروتی برخوردار بودند که از طرف تجار تهران بعنوان نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای ملی انتخاب شدند، معین التجار که وی را سلطان اقتصاد جنوب ایران میخواندند و در سال ۱۹۰۰ میلادی صاحب یک میلیون تومان ثروت بود (عیسوی چاراز، ۱۳۶۹، ۶۴) بعنوان نماینده تجار وارد مجلس شورای ملی اول شد (دشتی رضا، ۱۳۸۴) برخی از تجار بوشهر سهامدار کارخانه های مهم پارچه بافی در بریتانیا و منچستر بودند.

تجار بوشهر روابط نزدیک و تعیین کننده ای هم با علما و روحانیون داشتند. این روابط مستحکم و مستمر در وقایع و رویدادهای مهمی همچون حمایت از حقوق تجار و اعتراض به رفتار ماموران گمرک با تجار و یا در هنگامه دفاع از میهن و مبارزه با اجنبی بسیار نزدیکتر و موثرتر بود. (فراشبندی علیمراد، ۱۳۶۵، ۴۴) حوزه دیگری که بازرگانان بوشهری در آن مشارکت داشته و به مسیولیت اجتماعی خود عمل می کردند همانا مشارکت در امور عام المنفعه و خدمات عمومی بود. بطور مثال مشارکت تجار بوشهر در تاسیس مدرسه سعادت مظفری در بوشهر (دشتی احمد، ۱۳۸۷، ۸۷) و یا وقف اراضی و کمک به ساخت مساجد و تکایا و آب انبارها و کمک به مستمندان (کبابی همان ص ۲۱ الی ۲۷) و غیره بود. علاوه بر آن تجار بوشهری مورد اعتماد مردم بودند و مردم اسناد ملکی، سکه های طلا و یا اشیاء با قیمت خود را نزد تجار به امانت می گذاشتند.

جامعه تجاری بوشهر که در تمام حوزههای اجتماعی فعال بود در جهت دفاع از حقوق و منافع صنفی خود نیز فعال بود و از ساختارهای ضروری بهره میبرد. وجود مقاماتی همچون ملک التجار و معین التجار و معاون التجار نشان دهنده دو موضوع است نخست برسمیت شناخته شدن تجار و جامعه تجاری از سوی قدرت حاکم بعنوان یک جامعه مستقل و دارای نفوذ و دوم وجود تشکیلات و سلسله مراتب صنفی درونی بین تجار در جهت دفاع از منافع صنفی آنها. ملک التجار که در راس بازرگانان هر شهر قرار داشت وظیفه دفاع از حقوق صنفی تجار و همچنین داوری بین آنها در موقع اختلاف را برعهده داشت (پولاک یاکوب، ۱۳۶۸، ۳۹۲). اولین ملک التجار بوشهر در دوره قاجار حاجی عبدالمحمد پسر غلامحسین تاجر بود که در سال ۱۲۶۰ قمری به این سمت نایل آمد (دشتی رضا، ۱۰۲) معین التجار بوشهری نمونه بارزی از ترکیب قدرت اقتصادی سیاسی و اجتماعی بود. او در عهد ناصرالدین شاه عضو مجلس وکلای تجار شد (همان ۱۰۳) بعد از انقلاب مشروطیت بعنوان نماینده تجار وارد اولین دوره مجلس شورای ملی شد (بحرینی فروغ، ۱۳۹۶، ۴۱) او در یکی از فرمانهای ناصرالدین شاه مقرب الخاقان خطاب شده (ترابی سهیلا، ۱۳۸۴، ۹۴) است. در دوره احمد شاه قاجار نیز معین التجار ریاست شورای عالی تجارت ایران را برعهده داشت که دارای ۱۲ عضو بود. (مستوفی عبدالله، ۱۳۷۱، ۵۱۴) در بندر بوشهر نیز تجار و بازرگانان دارای تشکیلات صنفی بودند. وجود مقام ملک التجار نشاندهنده وجود این تشکیلات است. کسبه و اصناف بوشهر هم دارای تشکیلات صنفی بودند (دهقانی حسین، ۱۳۹۶، ۱۴۴) نخستین انجمن تجارت بوشهر در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس شد (پدیدار مجتبی ۱۰) در دسامبر ۱۹۰۸ قمری شرکت های انگلیسی مقیم بوشهر نیز اتاق تجارت بریتانیا در بوشهر را تاسیس کردند (همان ۱۱). در مقابل

تجار بوشهر در سال ۱۳۲۷ قمری برابر با ۱۹۰۹ میلادی اتاق تجارت بوشهر را تاسیس کردند (همان، ۱۴). این اتاق فعال بود تا اینکه قانون تشکیل اتاق های تجارت در روز پنجشنبه دهم مهرماه ۱۳۰۹ خورشیدی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و بدنبال آن در بوشهر نیز مقدمات تاسیس اتاق جدید فراهم شد و انتخابات آن در سال ۱۳۱۰ خورشیدی برگزار شد (همان، ۱۵). اتاق تجارت که بعدا به اتاق بازرگانی تغییر نام داد تا امروز در بوشهر فعال باقی مانده و به حیات خود ادامه میدهد.

موانع توسعه بوشهر الف موانع درونی: پرداختن به مقوله توسعه، علل و زمینه های آن همواره یکی از دشوارترین و پرچالش ترین مباحث در بین صاحب نظران و اهل فن بوده است زیرا هر یک از صاحب نظران از زاویه خاصی به موضوع نظر افکنده و پیرامون آن به تبیین دیدگاههای خود میپردازند. در این پژوهش نگاه غالب، نگاه تاریخی به مقوله توسعه در بوشهر و موانع آن است. به همین سبب موانع تاریخی توسعه بوشهر به دو بخش تقسیم شده و مراد از این تقسیم بندی آن است که مجموع علل و زمینه های موجود در درون منطقه و خارج از آن مورد بررسی قرار گرفته، تجزیه و تحلیل شوند.

در بین مجموعه علل و زمینه هایی که در درون منطقه منجر به عدم توسعه شده میتوان فهرست بلندبالایی را تهیه کرد اما با عنایت به مجال محدود ما در این مقاله ذیلا به برخی از مهمترین موانع موجود بر سر راه توسعه بوشهر از منظر درونی می پردازیم:

۱- موقعیت جغرافیایی و اقلیمی بوشهر، بوشهر شهری است ساحلی و بندری که از آب و هوایی گرم و مرطوب برخوردار است. شدت رطوبت و گرما به حدی است که تقریبا هشت ماه از سال تداوم دارد و تنها چهار ماه از سال هوا معتدل میشود. میزان اندک بارندگی سالیانه و کمبود منابع آبی از جمله مهمترین ویژگی های طبیعی منطقه است. بوشهر از لحاظ محدودیت کشاورزی نیاز به واردات انواع محصولات غذایی و کشاورزی دارد. گرمی هوا رطوبت و شرجی، دوری از مرکز کشور با فاصله ای در حدود یک هزار و یکصد کیلومتر و وجود موانع طبیعی همچون کوههای زاگرس و سختی راههای مواصلاتی همواره بوشهر را جزو مناطقی قرار داده که زندگی و کار در آن سخت و دشوار است.

بوشهر فاقد شبکه راه آهن است. فقدان شبکه ریلی در بوشهر نتیجه عوامل زیادی و از جمله توسعه نامتوازن کشور و عدم وجود اولویت بندی در گسترش خطوط ریلی در ایران است. بهر صورت علیرغم پیشرفت فناوری و گسترش راههای ارتباطی در کشور و نیز علیرغم موقعیت استراتژیک بوشهر در ساحل خلیج فارس هنوز این شهر به شبکه راه آهن ایران متصل نشده و این عامل نقش سلبی فراوانی در توسعه نیافتگی بوشهر ایفا می کند. از سوی دیگر با وجود پیشرفت های علمی و تکنولوژیک هنوز بوشهر و سایر بنادر و جزایر ایران در خلیج فارس اسیر شرایط اقلیمی از قبیل گرمای هوا، شرجی و کمبود آب هست در حالیکه در کرانه های جنوبی خلیج فارس که شرایط اقلیمی و آب و هوایی بمراتب بدتر از بوشهر است رشد و توسعه همه جانبه اتفاق افتاده است.

۲- ضعف نخبگان و دیوانسالاران بومی: ریشه های تاریخی این پدیده به دوران قاجاریه بر میگردد. بعد از برکناری حاکمان محلی بوشهر در سال ۱۸۵۰ میلادی (مظفری علیرضا ۳۵۱) حضور نخبگان بوشهری در ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور دچار یک ضعف تاریخی شده و قادر به ایفای نقش خود در توسعه بومی نشده است. از سوی دیگر دیوانسالاران بومی نیز که به هر ترتیبی وارد ساختار اداری و سیاسی کشور بعد از مشروطیت تاکنون شده اند از آن چنان توان و نفوذی برخوردار نبوده اند که قادر به ایفای نقش موثری باشند. نخبگان اداری و سیاسی بوشهری در دولت های مرکزی ایران در سطوح متوسط و پایین حضور داشته و کمتر به

لایه های سطح اول قدرت سیاسی و اداری نایل شده اند. بعنوان نمونه اگر به تعداد وزرای که اصالتاً بوشهری بوده و در توانسته اند به مقام وزارت برسند نگاهی بیندازیم بافقر آماری روبرو میشویم. بجز یک نفر بنام جواد بوشهری که در دولت اول دکتر محمد مصدق عهده ار وزارت راه بوده ما دیگر وزیر بوشهر نداریم. (معزی فاطمه، www.iichs.org.ir) در بین نمایندگان مجلس شورای ملی، مجلس سنا و مجلس شورای اسلامی نیز استان بوشهر و شهر بوشهر دارای نمایندگان شاخص و بانفوذ نبوده است. بجز معین لتجار بوشهری، میرزا علی کازرونی، محمدرضا مساوات، علی دشتی و رسول پرویزی از نخبگان سیاسی و اداری و اقتصادی بوشهر کمتر کسی را سراغداریم که توانسته باشد در لایه های قدرت در ایران رخنه کرده و قادر به هدایت سرمایه ها، بودجه و امکانات به بوشهر باشد. عمده شهرت افرادی هم که به نام آنها اشاره شد ناشی از فعالیتهای اقتصادی ادبی و مطبوعاتی آنان بوده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن میگردد که بدانیم یکی از مهمترین عوامل برخورداری و یا عدم برخورداری استانهای کشور، برنامه ریزی نظام مند دولت نبوده بلکه میزان نفوذ استا نها و شهرستانها در دولت بواسطه نفوذ و اعتبار نخبگان و دیوانسالاران هر استان و ناحیه بوده است. این موضوع امری نیست که بتوان آن را انکار کرد. اگر برای نمونه، تعداد، میزان و سطح حضور نخبگان و دیوانسالاران مناطق و استانهای مختلف ایران را در دولت ها و اعضای کابینه های ایران بعد از انقلاب مشروطیت تاکنون بررسی نماییم به روشنی و وضوح متوجه خواهیم شد که سهم استانها و مناطق ایران یکسان نیست. این خود یکی از عوامل وجود عدم توازن در توسعه نواحی گوناگون ایران است.

۳- ساختارهای سنتی اقتصاد و معیشت: دو رکن مهم اقتصاد در بوشهر عبارت است از تجارت و صیادی. تجارت و شاخه های آن اعم از واردات، صادرات، تجارت داخلی، اصناف، پبله وری و خرده فروشی همواره تابعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی بوده است. به سخن دیگرهم بازرگانی و هم صیادی در بوشهر از تحول جدی و تعیین کننده برخوردار نشده و این دو رکن مهم نتوانسته اند نقش موثری در توسعه شهر و منطقه ایجاد کنند. تجارت و بازرگانی بوشهر بعد از دوره درخشان و طلایی خود دچار افول شد و بوشهر از مقام بندر درجه یک ایران در خلیج فارس به بندر درجه دو تنزل یافته و جایگاه خود را از دست داد. از لحاظ اقتصاد ماهیگیری، صیادی و شیلات علیرغم تاسیس و حضور سازمانهایی همچون شیلات و بنادر و دریانوردی و ساماندهی این دست از فعالیت هانیز تفاوت چشمگیری و معنا داری بوجود نیامد و نقش صنعت شیلات و صیادی در زندگی و اقتصاد محلی بوشهر در همان حد محدود و سنتی باقی ماند. امروزه به جای کشتی های بادبانی و ابزار و ادوات سنتی ماهیگیری، کشتی ها و ادوات و ابزارهای مدرن و مجهز در اختیار ناخدایان و جاشوها و ملوانان قرار دارد اما سهم این بخش از فعلیتهای در اقتصاد بوشهر تعیین کننده نیست. ملوانان و جاشوها و حتی ناخدایان جزو اقشار آسیب پذیر محسوب میشوند و از حمایت های لازم برخوردار نیستند. عدم سرمایه گذاری در این بخش و عدم رغبت صاحبان سرمایه در جهت توجه به این بخش باعث شده که این عرصه از اقتصاد بوشهر به کارکرد سنتی خود ادامه دهد و از توسعه کافی برخوردار نگردد. در فصل صید میگو توجهات جامعه و از جمله مقامات به موضوع صیادی و دریا جلب میگردد ولی این موضوع، امری گذرا و موقت است. انتظار این است که برای تبدیل بوشهر به بندری توسعه یافته، اقشار مرتبط با دریا و صیادی از جمله اقشار برخوردار و مطرح باشند و از حمایت های قانونی و اجتماعی گسترده ای برخوردار گردند. آن دسته از دریانوردان بومی نیز که روی صیادی نیاورده و به تجارت و دریانوردی تجاری می پردازند نیز همانند صیادان از شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده و آسیب پذیر هستند. این دسته هر چند با واردات کالاهای مصرفی از طریق موتور لنج ها امرار معاش میکنند ولی در رنج و عسرت هستند. همین مسیله یکی از عوامل پنهان ولی بسیار مهم رواج پدیده قاچاق بشمار میرود.

۴- قاچاق: ریشه های تاریخی قاچاق در کرانه ها و پس کرانه های خلیج فارس به قرن نوزدهم میلادی برمیگردد. البته این بدان معنا نیست که پیش از آن قاچاق وجود نداشته بلکه بدین معناست که سازمان یافته و چنین گسترده نبوده است. ظهور قاچاق و گسترش آن، پیش از هر عامل دیگری نتیجه مداخلات، سیاستگذاری و برنامه های دولتها در امور اقتصادی و سیاسی و نیز اجتماعی است. فقدان

برنامه های جامع و کاربردی برای اشتغال مردم از یکسو و قوانین و مقررات تجاری، گمرکی و اقتصادی متفاوت از سوی دیگر در کنار سود سرشار برخی از فعالیت های مخرب اقتصادی، عملاً به ظهور قاچاق منجر میشود. برای نمونه، تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت در دولت پهلوی اول هرچند به افزایش درآمدهای دولت مرکزی انجامید ولی زمینه های گسترده و مناسبی را برای گسترش قاچاق در بنادر و کرانه های خلیج فارس در دهه های نخستین قرن جاری خورشیدی فراهم نمود. قوانین گمرکی و تعرفه های نامعقول آن همواره یکی از بسترهای مناسب جهت رواج قاچاق بشمار آمده است. اقتصاد مبتنی بر قاچاق که بخش غیر رسمی ولی مهمی از اقتصاد بومی را تشکیل میدهد، سهم فراوانی را در چرخه مالی محلی برعهده دارد و این خود یکی از موانع ساختاری توسعه بشمار میرود. با صرف نظر از اینکه زمینه ها و عوامل ایجاد و رواج قاچاق چیستند میتوان این نکته را بوضوح بیان نمود که قاچاق مانع توسعه بوشهر شده و خود محصول توسعه نیافتگی است.

۵- خروج نخبگان و عدم ماندگاری آنان: این فقره تنهت مربوط به شهرستان بوشهر نشده و دامنگیر تمام نقاط استان بوشهر است. بر طبق یک سنت نانوشته ولی موجود، نخبگان و سرآمدان بوشهری اعم از سرآمدان علمی، اداری، سیاسی، اقتصادی و تجاری، اجتماعی و فرهنگی بنا به علل گوناگون از بوشهر مهاجرت می نمایند و درصد اندکی تمایل بر ماندگاری دارند. تهران، شیراز، اصفهان و حتی اهواز و خرمشهر در راس مراکز و نقاطی هستند که به محل جذب نخبگان بوشهری تبدیل شده اند. به این نقاط و مراکز میتوان خارج اکشور را نیز اضافه نمود. علل گوناگونی برای مهاجرت نخبگان بوشهری و عدم جذب آنان قابل طرح و مطالعه است که از آن میان میتوان به فقدان شرایط و زمینه های استاندارد زندگی شهری و کمبود خدمات و امکانات مدرن شهری همچون مراکز آموزشی و بهداشتی مدرن اشاره نمود. برطبق برآوردها روزانه بیش از دویست نفر بوشهری از سراسر استان برای دریافت خدمات پزشکی به شیراز مراجعه می کنند. شهر بوشهر دارای شش بیمارستان است که پنج بیمارستان آن متعلق به سازمانها و دستگاههای دولتی و نظامی است و تنها یک بیمارستان در اختیار عموم قرار دارد که آنهم بیمارستان جامعی نیست. شرایط نامساعد آب و هوایی، راههای مواصلاتی نامناسب، فقدان نظام آموزش و پرورش کارآمد، فقدان مدارس مناسب و نیز فقدان مراکز رفاهی و تفریحی لازم و امکانات اندک شهری از جمله زمینه هایی هستند که باعث میشوند نخبگان بوشهری تصمیم به مهاجرت بگیرند. برای نمونه میتوان به این نکته اشاره کرد که آموزش و پرورش استان بوشهر در بین استانهای کشور از حیث کیفیت آموزش و امکانات جزو سازمانهای پیشرو و برخوردار نیست و این موضوع و پیامدهای آن نقش مهمی در جذب و یا عدم جذب نخبگان بومی دارد.

۶- زوال و افول جامعه تجاری بوشهر: همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، جامعه تجاری بوشهر در عهد طلایی خود یکی از قدرتمندترین و موثرترین جوامع تجاری ایران و خلیج فارس بشمار میرفت. این جامعه نخبه و قدرتمند، اساسی ترین مولفه هویت شهری و اجتماعی و فرهنگی بوشهر را تشکیل میدادند. این گروه اجتماعی بوشهر را در دوران طلایی خویش به مرکزی فعال، پرجمعیت و جذاب تبدیل کرده بودند. با بروز و ظهور شورش ها و آشفتگی های سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب مشروطیت از یکسو و وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار آن برای ایران و ایرانیان از سوی دیگر تا ظهور رضاشاه و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی وی و عطف توجه به خوزستان و بخصوص احداث راه آهن سراسری و اتصال آن به خوزستان، زمینه های مهاجرت تجار از بوشهر و افول تدریجی آن فراهم شد. دشواری های تجارت در بوشهر در دوره پهلوی اول و فقدان امکانات از سویی و فراهم آمدن تسهیلات در بنادر و مراکز رقیب و امنیت موجود در آنجا از دیگر سو زمینه های خروج تجار از بوشهر و تضعیف جامعه تجاری بوشهر را رقم زد. گزارش های متعدد و مکرر اتاق بازرگانی بوشهر از حوالی سال ۱۳۱۲ خورشیدی تا ۱۳۲۲ خورشیدی و حتی بعد از آن نشان میدهند که تجار بوشهری از سخت و دشوار شدن شرایط تجارت به علل گوناگون همچون ناامنی رهها، سختی خطوط مواصلاتی و فقدان وسایل حمل و نقل بار و مسافر، اجحافات مقامات مالی و اداری، تعرفه های سنگین گمرکی، عدم حمایت از بازرگانان و فقدان امکانات بهداشتی و رفاهی بسیار ناراضی بوده و شکایت داشته اند (پدیدار مجتبی ۱۱۹) در طی همان سالهای فوق الذکر برطبق همان اسناد و گزارش

ها بنادر خوزستان و مخصوصا خرمشهر دارای شرایط مناسب و تسهیلات کافی برای تجارت بود و همین موضوع باعث مهاجرت تجار به ناحیه و بازماندن بوشهر از قافله توسعه شد. در اسناد اتاق بازرگانی بوشهر شکایات متعددی وجود دارد که نشان میدهد تجاربوشهری به مقایسه شرایط و امکانات تجارت در خرمشهر و بوشهر دست زده و از تبعیض های موجود و عدم توجه به بندر بوشهر در آن سال ها بشدت انتقاد میکردند. (همان ۱۷۰) همه عواملی که از سوی اتاق بازرگانی بوشهر در آن سالها بعنوان موانع موجود بر سر راه کسب و کار تجار بوشهری بیان شده نه تنها دقیق و صحیح بودند بلکه به موانعی پایدار در راه توسعه بوشهر مبدل گشتند. این عوامل نه فقط مانع رشد تجارت و ارتقا جایگاه تجاری بوشهر شدند بلکه موجبات زوال و افول جامعه تجاری بوشهر شدند، جامعه ای که طی دو قرن رشد کرده و به هویت بوشهر تبدیل شده بود. هویت تاریخی بوشهر در دوران طلایی و درخشان حیات خود، هویتی برخاسته از بازرگانی و تجارت و دریانوردی بود و اینک با خروج تجار از آن و انحطاط جامعه تجاری، تار و پود و تبار این هویت نیز از هم گسسته میشد. این گسست به معنی بحران در هویت شهر بود. بدون تردید باید اذعان نمود که تضعیف و افول جامعه تجاری بوشهر یکی از مهمترین علل توسعه نیافتگی بوشهر در قرن جاری است و هر دستگاه و هر فردی که در فکر توسعه و پیشرفت بوشهر است باید به این عنصر هویتی و کلیدی در توسعه بوشهر عطف توجه نموده و به احیای تجارت و جامعه تجاری بوشهر همت گمارد. به عبارت بهتر اگر در بوشهر زمانی تجار برجسته و مشهوری همچون معین التجاربوشهری حضور داشتند این نتیجه رونق تجارت و قدرتمند بودن جامعه تجاری بوشهر در آن عهد بوده است و اگر انتظار دارید دوباره تجار و بازرگانانی همچون معین التجار در بوشهر ظهور کنند تنها راه چاره احیای تجارت و احیای جامعه تجاری بوشهر است و این مهم میسر نمی شود مگر آنکه موانع برطرف شوند.

۷- اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی: استان بوشهر و در پی آن کرسی استان یعنی بندر بوشهر از عصر مشروطیت و بویژه از کودتای محمدعلی شاه بر علیه آزادی خواهان و بازگشت استبداد تا اصلاحات ارضی شاهد یک سلسله تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی بود که نتیجه آنها بر هم خوردن نظم سیاسی و اجتماعی منطقه و بخصوص شهر بوشهر بود. این ناملازمات سیاسی و اجتماعی را میتوان از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داد. صدا البته که بخش مهمی از این وضعیت دارای ارزشهای انسانی و اخلاقی بوده و ابعاد حماسی دارد اما پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این تحولات و نابسامانی ها نیز آنطور که باید و شاید دیده نشده است. در ماجرای استبداد صغیر و قیام آزادی خواهان علیه محمدعلی شاه، مشروطه خواهان بوشهری کنترل بوشهر را بدست گرفتند و گمرک بدست مشروطه خواهان افتاد (مشایخی عبدالکریم، ۱۴۲، ۱۳۸۷) یکی از نتایج این امر رکود اقتصادی بوشهر بود. اوضاع تجارت و معیشت در بوشهر دچار کساد شد. این امر و افراط و تفریط برخی از وابستگان به ملیون و مشروطه خواهان باعث بروز نارضایتی های گسترده شد. (همان ۱۴۴) غارت گمرک بوشهر و وحشت مردم شهر از جمله جملات و کلماتی است که در لابلای اسناد و گزارش ها پیرامون این واقعه بیان شده است. بعد از آن جنگ جهانی اول رخ داد و استان بوشهر و مخصوصا بوشهر و دشتستان و تنگستان بطور مستقیم تحت تاثیر تحولات سیاسی و نظامی ناشی از حضور قوای بریتانیایی و اشغال کشور بدست آنها قرار گرفتند. قحطی و گرسنگی و مهاجرت نصیب بسیاری از مردم شد و رکود تجاری و اقتصادی هم نصیب تجار و اصناف گردید. راهها نا امن شد و کشمکش های بین خوانین منطقه نیز که بطور سنتی وظیفه کنترل و مراقبت از راهها را داشتند منجر به گسترش بحران شده بود. یکی از وجوه ناگفته تحولات و ناملازمات سیاسی در منطقه بوشهر در دوره زمانی فوق الاشاره همانا آسیب هایی است که به تجارت و تجاربوشهر وارد شده و به تضعیف این گروه اجتماعی قدرتمند در بوشهر منجر شده است. به عبارت بهتر به علت بروز جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر بدست اجنبی قیامهای متعددی در واکنش به این موضوع رخ داد اما به موازات این تحولات، اقتصاد و تجارت بوشهر نیز آسیب فراوان دید. یکی از نتایج فوری این قضایا مختل شدن تجارت رسمی از یکسو و گسترش قاچاق از سوی دیگر بود. تجار بوشهر در این شرایط دچار سردرگمی و سرگردانی بودند. بسیاری از آنان مهاجرت را انتخاب کرده و از ناحیه خارج شدند.

بعد از اتمام جنگ جهانی اول و نیز پس از برکناری سلسله قاجاریه و ظهور پهلوی، اوضاع سیاسی تا حدی آرام شد ولی در بخش هایی از استان مخالفت های سیاسی و مقاومت های نظامی از سوی سران قبایل و طوایف مشاهده میشد. با این وجود اوضاع سیاسی بسامان شده بود و اقتصاد و بازرگانی بوشهر از سر گرفته شده بود اما به علت تضعیف جامعه تجاری بوشهر و خروج بخشی از تجار معروف از بوشهر شرایط تجاری به حالت پیشین برنگشت. نتایج تحولات سیاسی و اقتصادی و نظامی در بوشهر که طی سالهای ۱۲۸۷ خورشیدی تا ۱۳۰۷ خورشیدی رخ داد را میتوان در عرصه عمومی شهر مشاهده کرد. کاهش جمعیت شهر از نتایج این تحولات بود. هر چند آمار رسمی از جمعیت بوشهر در آغاز سلطنت پهلوی موجود نیست ولی برابر گزارشها، در سال ۱۳۱۶، بوشهر فقط ۱۶۰۰۰ نفر جمعیت داشته (سعیدی نیا) در حالیکه جمعیت شهر در سال ۱۳۳۲ قمری یعنی یکسال قبل از آغاز جنگ جهانی اول ۳۰۰۰۰ نفر بوده است. (کبابی سدیدالسلطنه)

بروز جنگ جهانی، ناامنی، کمبود ارزاق، گرانی و بیکاری، رکود اقتصادی و فقدان مایحتاج عمومی از جمله عواملی است که باعث مه اجرت مردم از بوشهر میشدند. (پدیدار مجتبی) جنگ جهانی دوم و آغاز و پایان آن نیز بر اجتماع و اقتصاد بوشهر اثرات منفی نهاد و به اقتصاد و جامعه تجاری بوشهر آسیبهای فراوان وارد نمود. جمعیت بوشهر بر اثر بروز جنگ جهانی دوم مجددا کاهش یافت. بسیاری از تجار و مردم مهارجرت کردند. ارزاق عمومی و بخصوص نان و کمپاد شدند و قحطی و بحران نان ظهور کرد. مردم فرودست و تنگدست دچار لطمات فراوان و رنج بسیار شدند (همان). آمارها و اسناد اتاق بازرگانی بوشهر بوشهر در طی سالهای ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۵ خورشیدی نشاندهنده کاهش واردات و صادرات از بوشهر است. کاهش واردات و صادرات کالا در این سالها در بندر بوشهر در کنار فقر و قحطی گسترده، بحران نان و ناامنی راهها، یعنی رکود تجارت و محروم شدن بوشهر از اصلی ترین شریان اقتصادی و معیشتی خود. (همان) ماجرا بدینجا ختم نشد و ضربه دیگری بر اقتصاد و تجارت بوشهر و جامعه تجاری آن در جریان نهضت جنوب در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد آمد. از نتایج دیدار خوانین و بسیاری از کدخداها با ناصر خان قشقایی، حمله خوانین جنوب به بوشهر بود. طی چند روز پادگانهای نظامی و پاسگاههای ژاندارمریو سایر ادارات اشغال شدند و گمرک بوشهر توسط خوانین غارت شد. با غارت ادارات و گمرک بوشهر محموله بزرگفتند و شک و پول فراوان بدست خوانین افتاد. (کریمپور محمد ۵۰، ۱۳۹۳) نتیجه فوری این قضایا رکود تجارت در بوشهر و نتیجه دراز مدت آن تضعیف جامعه تجاری بوشهر با خروج تعداد بیشتری از بازرگانان بوشهری بود. در این دفعه نیز برخی از تجار بوشهری به خوزستان، اصفهان، تهران، کویت و بصره مهاجرت کردند و نکته جالب کاهش تجار غیرمسلمان در بوشهر بود. در حالیکه در سالهای آغازین قرن چهاردهم خورشیدی در بین تجار بوشهر بازرگانان غیرمسلمان حضور داشتند و اسامی تجار ارمنی (هاشم پور ظهرا، ۱۳۹۵، ۱۸۱) و یهودی در بین اسامی بازرگانان بوشهری دیده میشد ولی سی سال بعد یعنی در دهه سی خورشیدی دیگر نام و نشانی از آنها وجود نداشت و این به معنای کوچ و مهاجرت آنان (پدیدار مجتبی، همان) ز بوشهر بود.

۸- مهاجرت و پیامدهای آن: پدیده مهاجرت در پیوند با فرایند توسعه در بوشهر را باید از دو زاویه مورد مطالعه و بررسی قرار داد. نخست مهاجرت از بوشهر و دوم مهاجرت به بوشهر. به سخن دیگر مهاجرت یکی از عوامل درونی موثر در توسعه نیافتگی بوشهر بشمار میاید. عملکرد این پدیده در توسعه نیافتگی بوشهر دارای دو وجه است. نخست مهاجرت نخبگان بخصوص نخبگان اقتصادی از بوشهر و مهاجرت اقشار و لایه های جدید اجتماعی که از طبقه متوسط تا حاشیه نشینان شهری در آن حضور داشتند. قضیه مهاجرت در بوشهر از ابتدای تاسیس این شهر در دورا افشاریه قابل ردیابی و مطالعه است و اصولا بوشهر شهری مهاجر پذیر است ولی سنخ مهاجرین و ویژگی های جامعه شناختی آنان همانند نیست. در حالیکه تجار و بازرگانان در عصر زندیه و قاجار از شیراز و کازرون و بهبهان و دهدشت به بوشهر مهاجرت می کردند بطور مثال تجار دهدشتی نقش مهمی در شکل گیری اقتصاد تجاری بوشهر داشتند و صاحب موسسات و شرکت های تجاری مهمی بودند (شاهرخی مقدم پروانه، ۱۳۹۱). در دوره پهلوی دوم کارکنان بخش های اداری، سیاسی و نظامی دولت وارد بوشهر میشدند و یا بعد از آغاز جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مهاجران و آوارگان جنگی به بوشهر

مهاجرت کردند. بنابراین تفکیک مهاجرت و مهاجران از بوشهر در سده اول قرن چهاردهم خورشیدی و ماجرتبه آن در دهه های میانی و پایانی قرن چهاردهم خورشیدی امری ضروری بشمار میرود زیرا این دو نوع مهاجرت نقش و تاثیر تعیین کنندهای در هویت و کارکرد شهر از خود بجای نهاده است. در قضیه مهاجرت از بوشهر در دهه های نخست قرن جاری خورشیدی ما شاهد کوچ و مهاجرت تجار و صاحبان سرمایه و نخبگان اقشار دیگر از بوشهر هستیم. تجار و سرمایه داران بوشهری همان افرادی بودند که در شکل گیری و تداوم جامعه تجاری شهر و شکل یابی هویت تجاری این بندر نقش اساسی ایفا میکردند و اینک با خروج آنان جامعه تجاری شهر رو به زوال و تضعیف نهاده بود. با آغاز روند مهاجرت تجار از بوشهر از اهمیت بوشهر کاسته شد و رفته رفته جایگاه این بندر در تجارت ایران دچار خدشه شد. خروج نخبگان از بوشهر محدود به تجار نگردید و بدنبال آنان بسیاری از نخبگان دینی و مذهبی، اجتماعی و روشنفکران و نخبگان علمی و خاندان های معروف نیز از بوشهر رخت بر بستند و رفتند.

مهاجرت اقشار جدید همچون کارکنان دولت و طبقه متوسط بوشهر نیز از سالهای پایانی دهه سی خورشیدی آغاز شد و در دهه چهل تداوم یافته و در دهه پنجاه تسریع شد و بعد از انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. بوشهر در سال ۱۳۵۵ دارای ۶۵۰۰۰ نفر جمعیت بود در حالیکه در سال ۱۳۹۵ این امار به بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفر رسید. مهاجرانی که در این دوران به بوشهر وارد شدند شامل طیف گسترده ای از اقشار و لایه های گوناگون اجتماعی بودند. عمده این مهاجران در دو دسته قابل تفکیک بودند: الف مستخدمان دولتی با مرتبه های متفاوت و ب: سایرین که از مشاغل آزاد و فنی و خدماتی تا حاشیه نشینان را شامل میشد. می توان گفت که تا سال ۱۳۴۸ خورشیدی مهاجرت گسترده این اقشار جدید صورت نگرفت. در دهه پنجاه خورشیدی به علت اتخاذ سیاستهای جدیدی از سوی دولت مرکزی و انجام اقداماتی مهاجرت به بوشهر شدت و حدت یافت. این شدت و حدت نتیجه خیزش چند موج مهاجرت بود، موج اول کسب و کار موج دوم تاسیس پایگاه هوایی موج سوم حضور شرکت های ساختمانی و موج چهارم تاسیس نیروگاه اتمی. البته پایگاه هوایی ششم شکاری بوشهر نیز در سال ۱۳۴۹ خورشیدی فعالیت خود را آغاز نموده بود (اسلام دوست علی رضا، ۱۳۹۴). با وجود این سرمایه گذاری ها و مهاجرت های گسترده کارکنان دولتی و نیز کارگران و نیروهای خدماتی به بوشهر، اقدامات عمرانی و شهری مناسبی در سطح شهر صورت نگرفته بود. به موازات افزایش جمعیت شهر و تعداد مهاجرین، پدیده ای بنام حاشیه نشینی و کپر نشینی هم در بوشهر ظهور یافته و رشد نمود. کپر نشینی و حاشیه نشینی در دهه پنجاه خورشیدی در بوشهر به شکل واضحی نمایان بود. (کپر نشینان بوشهر ۱۳۵۱) با حضور مهاجران جدید و گسترش آنان سیما و هویت شهر بوشهر رو به دگرگونی نهاد و اندک اندک از قالب یک شهر بندری و تجاری به بسوی قالب یک شهر اداری، سیاسی و نظامی سوق یافت بخصوص اینکه در سال ۱۳۵۲ خورشیدی بوشهر به مرکزیت استان نوبنیاد بوشهر نیز برگزیده شد و استانداری در آن مستقر شد. (کنین عبدالحسین، ۱۲، ۱۳۸۸). به این ترتیب بندر بوشهر بعنوان مرکز استان به کانون جذب کارکنان دولت و سازمانهای وابسته تبدیل شد و این روند رو بسرعت نهاد بگونه ای که در دهه های شصت، هفتاد و هشتاد و حتی نود خورشیدی شهر بوشهر از لحاظ جغرافیایی و فیزیکی بسیار گسترده شد بطوریکه که اراضی و زمینهای خالی از سکنه در آن دیگر یافت نمیشد و سر ریز جمعیتی به شهرهای اقماری مثل چغادک و بخصوص شهر تازه تاسیس عالی شهر هدایت شدند. شهر نشینی در بوشهر طی دهه های اخیر افزایش یافت و حتی نواحی پراکنده روستایی را بهم پیوند داد بگونه ای که چهار محل شمالی شهر قدیمی بوشهر به چهار محل حاشیه ای و روستایی قدیم گره خورد و شهر بوشهر شکل تازه بخود گرفت، با این حال بوشهر بزرگ و پر جمعیت جدید نتوانست جایگاه سنتی خود را در تجارت و دریانوردی تجاری ایران و خلیج فارس بدست آورد و جامعه تجاری آن نتوانست دوباره شکرفا گردد.

۹- ضعف سرمایه گذاری های صنعتی در بوشهر، با وجود آنکه در طی دهه پنجاه خورشیدی دولت در بوشهر بنا به ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی اقدام به تاسیس پایگاههای هوایی و دریایی و نیروگاه اتمی نمود و استانداری و ادارات کل در این شهر مستقر شده و شهر از توسعه فیزیکی برون زا برخوردار شد اما سرمایه گذاری های جدی و بنیادین در حوزه اقتصاد و صنعت در آن انجام نشد. بجز

شرکت صنعتی کشتی سازی صدراو کارخانه پارچه بافی اعتمادیه، مراکز صنعتی قابل توجهی در بوشهر تاسیس نشدند. امروزه نیز علیرغم آنکه بوشهر در حوزه شاخص های عمومی نظیر میزان باسواد، میزان دسترسی به حداقل فضاهای آموزشی، خدماتی و بهداشتی تفاوت معنا داری با میزان متوسط ملی ندارد اما از لحاظ شاخص های اقتصادی در بدترین وضعیت قرار دارد. علت این امر را میتوان در ضعف سرمایه گذاری انسانی و عدم شکل گیری ان بدلائل متعدد و از جمله سطح پایین و سنتی بودن فعالی های اقتصادی و وضعیت امکانات رفاهی و عمرانی دانست. (قدیری محمود و دیگران، ۱۳۹۳، ۶۶) یک تحقیق دیگر نشان میدهد که حتی در سالهای اخیر نیز توسعه پایدار در سر لوجه سیستم مدیریتی شهر بوشهر قرار نداشته است (سرابی محمدحسین و دیگران، ۱۳۸۹، ۵۷). از نظر شاخص های توسعه صنعتی و اقتصادی باصرف نظر از صنایع دولتی نفت و گاز، بندر بوشهر را باید جزو شهرهای کمتر توسعه یافته قلمداد کرد. صنایع و نیروی انسانی شاغل در این بخش درصد کمتری را در مقایسه با سایر بخش های فعال اقتصادی بخود اختصاص میدهد. با وجود شهرک های صنعتی و نیز منطقه ویژه اقتصادی (اتحاد خبر ۱۳۹۸/۴/۲۴)، تاکنون بخش صنعت نقش پررنگی در اقتصاد شهری بوشهر ایفا نکرده است. بخش کشاورزی نیز نقش موثری در اقتصاد بوشهر ندارد. از حدود ۲۲ درصد شاغلین بخش کشاورزی در بوشهر حدود ۲۰ درصد آن به شکل صیادی و خدمات وابسته انجام میشود که آنها غالباً به شکل سنتی اداره میگردد و لذا میتوان گفت ر حوزه کشاورزی نیز سرمایه گذاری موثری در بوشهر صورت نگرفته و این ادعا با ملاحظه سهم اندک شاغلین بخش کشاورزی کاملاً قابل اثبات است. (قدیری محمود و سوگل ممسنی، ۱۳۹۵، ۸۶)

نتایج حاصل از یک تحقیق دیگر نشان میدهد که استان بوشهر یکی از استانهای محروم کشور است و محرومیت بطور کلی در سطح استان دیده میشود (زنگی آبادی علی و دیگران، ۱۳۹۲، ۸۰) امتیاز بوشهر فقط ۰/۴۵۶ است (همان ۹) اگر به مقایسه جایگاه صنعتی بوشهر با سایر مراکز استانهای ایران بپردازیم متوجه خواهیم شد که جایگاه آن از نرخ متوسط ملی کمتر و پایین تر است. نکته مهمی که یادآوری آن در این مجال ضرورت دارد اینک در این مطالعه رتبه بندر بوشهر از لحاظ صنعتی مد نظر است و نه استان بوشهر با این حال باید به این موضوع هم توجه داشت که محرومیت استان بوشهر و توسعه نیافتگی مرکز آن در حالی اتفاق می افتد که استان بوشهر رتبه ششم در اقتصاد ملی و تولید ثروت برای کشور را بخود اختصاص داده است اما سهم آن همانا توسعه نیافتگی و محرومیت است.

موانع بیرونی بیرونی توسعه بوشهر. در بخش قبلی به عوامل و موانع درونی توسعه بوشهر پرداختیم و اینک به بررسی فهرستوار عوامل موثر بیرونی خواهیم پرداخت.

۱- بحران های سیاسی و نظامی: بندر بوشهر و استان بوشهر در طی دو جنگ جهانی اول و دوم متحمل آسیبها و خسارت های فراوان شدند. اقدام انگلیسی ها در اشغال بوشهر و نقض بیطرفی ایران در هر دو جنگ جهانی باعث ظهور شرایط نابسامان و متلاطم در این منطقه شد. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این شرایط که علل و عوامل آن خارج از ایران شکل گرفته بود آن چنان که بایسته است مورد توجه مورخان و جامعه شناسان قرار نگرفته است. بطور مثال تشکیل پلیس جنوب ایران و پیامدهای آن یکی از قضایای مهم در این رابطه است، انگلیسی ها بهانه تشکیل پلیس جنوب ایران را نا امنی و ناتوانی دولت ایران در برقراری نظم و امنیت قلمداد می کردند. دولت انگلیس در ۱۲ شوال ۱۳۲۸ قمری یادداشت شدید اللحنی برای دولت ایران ارسال کرد و در آن سه ماه فرصت داد تا دولت ایران به اعاده نظم و امنیت در راه بوشهر و شیراز بپردازد. (بریتانیا، ۱۳۶۲-۱۹۴۸: ۴، ۱۳۶۹) در بخش پیشین در این خصوص نکاتی مطرح شد و اینک از تکرار آن خودداری می کنیم ولی شناخت پیامدهای این دو جنگ جهانی در بوشهر از یکسو و تحولات اجتماعی ناحیه از سوی دیگر بسیار

ضروری و لازم است. در این بخش ما به جنگ جهانی اول و دوم و پیامدهای آن در بوشهر بعنوان عوامل بیرونی نظر انداخته ایم.

۲- سیاست های دولت های ایران: منظور از دولت های ایران در این بخش همانا کابینه ها و هیات وزیرانی است که بعد از مشروطیت در ایران برسرکار آمدند و بعنوان دولت مرکزی ایران و از تهران به اداره کشور و رتق و فتق امور آن پرداختند. یکی از موانع مهم بیرونی توسعه بوشهر، سیاست های دولت های مرکزی ایران بوده است. سیاست های پهلوی اول و کابینه هایی که در آن عهد برسرکار آمدند در جهت تقویت خوزستان بود. اهمیت خوزستان از جهت وجود منابع و پالایشگاه و مرکز صادرات نفت از یکسو و اتصال راه آهن به بنادر خوزستان از سوی دیگر باعث تضعیف اقتصاد و اجتماع بوشهر شد. یکی از عوامل اساسی موثر در مهاجرت تجار از بوشهر در آن دوره جذابیت بنادر خوزستان بود. فقدان دسترسی بوشهر به شبکه راه آهن از نتایج سیاست های نامتوازن دولت های مرکزی ایران در توسعه خطوط ریلی بشمار میرود. عدم سرمایه گذاری صنعتی و اقتصادی دولت در در بوشهر یکی دیگر از مواردی است که نقش دولت در عدم توسعه بوشهر را نشان میدهد. عدم سرمایه گذاری دولت در این خصوص تنها محدود به شهر بوشهر نمیگردد بلکه شامل تمام نواحی کرانه ای و پس کرانه ای خلیج فارس میشود. ارسنجانی وزیر کشاورزی ایران در عصر اصلاحات ارضی در طی یک سخنرانی در تهران ضمن اشاره به اوضاع نامساعد مناطق جنوبی و ساحلی کشور و ضرورت توجه دولت به آن چنین میگوید: کسانی که مدعی حقوق بشر هستند باید به جنوب ایران سفر کنند و ببینند مردم با چه سختی و مشقت زندگی می کنند. (کیهان، ۱۳۴۲) همین عامل بیرونی سبب شده که شهرها و بنادر ایرانی کرانه های خلیج فارس در زمره شهرهای درجه دو و سه مطرح باشند. آقای احمد خرم که مدتی نیز وزیر راه و ترابری ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده در این خصوص می گوید: طرح آمایش سرزمین را در سال ۱۳۵۲ شرکت ستیران فرانسه انجام داد. افق آن ۲۵ ساله بود جمعیت ایران در سال ۱۳۷۸ را پنجاه میلیون نفر پیش بینی کرده و قرار بود که ۲۵ میلیون نفر در سواحل شمالی خلیج فارس مستقر شوند. (ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) در حالیکه در حال حاضر مجموع جمعیت سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان به هشت میلیون نفر نیز نمیرسد. در حال حاضر توزیع مناسب جمعیتی در مناطق جنوبی کشور به لحاظ عدم توزیع مناسب فعالیت در منطقه صورت نگرفته است، خصوصاً در استان بوشهر و هرمزگان از جذب جمعیتی مناسبی برخوردار نیستند (رجایی عباس، ۱۳۹۴، ۹۱)

۳- دورافتادگی جغرافیایی از پایتخت ایران: یکی از موانع توسعه بوشهر و عدم توجه دولت به بوشهر همانا دوری جغرافیایی از مرکز ایران است بوشهر در حاشیه فلات ایران واقع شده و تهران در درون آن جای دارد. نگاهی به فهرست استانهای محروم ایران نشان میدهد که نسبت مستقیمی بین محرومیت این استانها و دور افتادگی آنها از پایتخت برقرار است. استانهای بوشهر هرمزگان سیستان و بلوچستان خراسان جنوبی کرمان و کردستان از جمله استانهایی هستند که به علت دوری از مرکز مورد توجه برنامه ریزان و مقامات تصمیم گیر قرار نگرفته اند. عدم توازن در رشد و توسعه مناطق و استاهای ایران امری غیرقابل انکار است، این عدم توازن نتیجه عوامل متعددی است که یکی از آنها همانا دورافتادگی جغرافیایی از مرکز کشور است. در سال ۱۳۴۲ وزارت کشور قانونی را تصویب کرد با این مضمون که: چون شهرستان ها و بنادر جزایر جنوب ایران به علت دوری از مرکز تاکنون از برنامه های عمران و آبادی کشور آن طور که لازمه آن مقتضای زمان و سیاست عمومی کشور بود استفاده ننموده و توجه به این مناطق از لحاظ عمران و آبادی توسعه فرهنگ و بهداشت

و بالا بردن سطح زندگی عمومی رشد ملی وجهه همه دولت و از مسایل اساسی مورد توجه است. (پیک خجسته ۱۳۴۲/۱۰/۲۳)

۴- عدم حضور و نفوذ بوشهری ها در ترکیب کابینه ها و دولت های ایران یکی از علل توجه و سرمایه گذاری دولتها در ایران در مناطق و نواحی گوناگون کشور همانا نفوذ افراد و یا گروههای سیاسی و قومی است. این امر حتی در پدیده ای همچون تقسیمات کشوری بوضوح خود را نشان میدهد. بررسی ها نشان میدهد که رخنه و نفوذ عوامل غیر رسمی و فراقانونی بواسطه نفوذ در هرم ساختار قدرت و هم چنین وجود نیروهای پنهان بواسطه نفوذ و اقتدار که فرصت مانور در تصمیم گیرهای حکومتی را دارند، نقش بسزایی دارند (احمدی پور زهرا و دیگران، ۲۶، ۱۳۸۶). بین رخنه و نفوذ افراد و گروههای مقتدر محدود به موضوع تقسیمات کشوری و ترسیم مرزهای استانها و شهرستانها نشده بلکه در موضوع مهمی همچون تخصیص اعتبارات بودجه ها و سرمایه گذاری های کلان نیز وجود دارد و این خود صد البته نشانه توسعه نیافتگی است. در حال حاضر نظام حکومتی متمرکز و تقسیمات استانی برخاسته از آن بعنوان عامل اصلی یا حداقل یکی از منابع اصلی کمتر توسعه یافتگی کورد حمله است (همان). در طول سالهای پس از مشروطیت و در تمام کابینه های تشکیل شده پس از آن سهم استان بوشهر تنها یک وزیر بوده است. مهندس جواد بوشهری وزیر راه کابینه اول مرحوم دکتر محمد مصدق (معزی فاطمه، همان) بعد از آن هیچ بوشهری به مقام وزارت و یا ریاست سازمانهای مهمی چون سازمان برنامه و بودجه نرسیده اند و این خود بطور بالقوه یکی از عوامل موثر بر عدم توسعه استان از یکسو و بندر بوشهر از سوی دیگر است. بدون شک یکی از علل توجه دولتها در ایران به استانها و نواحی گوناگون وجود افراد و گروههای متنفذ در ساختار قدرت و دولا است و استان بوشهر از این جهت هم دچار محرومیت بوده است.

۵- برخورداری و توسعه یافتگی استانهای همجوار یکی از عوامل مهم ولی پنهان در عدم توسعه بوشهر که بعنوان یک متغیر بیرونی نقش موثری ایفا میکند همانا همجواری استان بوشهر با استانهای همجوار همچون فارس و خوزستان و با یک واسطه استان اصفهان و تا حدودی استان هرمزگان است. برخورداری و میزان رشد و توسعه این استانها یکی از دلایل مهاجرت مردم استان بوشهر و از جمله اهالی شهر بوشهر اعم از نخبگان اقتصادی، سیاسی، تجاری، علمی و فرهنگی و نیز سایر اقشار اجتماعی است. مهاجرت لایه های گوناگون اجتماعی از بوشهر به مناطق همجوار در دو دهه اخیر افزایش یافته است. شیراز و اصفهان مقاصد اصلی بسیاری از این مهاجرین بوشهری هستند. یکی از دلایل عمده این جابجایی و مهاجرتها مستمر جمعیتی همانا برخورداری این کانونهای جذب مهاجرین است. البته آب و هوا و شرایط اقلیمی نیز در این جابجایی ها بدون تاثیر نمی باشد ولی علت اصلی در واقع توسعه یافتگی، برخورداری و وجود دسترسی های بیشتر به انواع خدمات است. بطور مثال در سالهای پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و تاسیس منطقه آزاد تجاری در خرمشهر برخی از تجار بوشهری بمنظور برخورداری از تسهیلات و شریط قانونی مساعد برای بازرگانی عازم خرمشهر شدند. میزان مناسب و در خور توجه تخفیف در تعرفه های گمرکی و افزایش سود بازرگانان از جمله عواملی بود که تجار برای رفتن به خرمشهر در این سالها تشویق میکرد. هم چنین بخشی از تجار بدلیل فرصتهای بیشتر و بهتر عازم کانونهای تجاری هرمزگان مثل جزیره کیش، قشم و شهر بندرعباس شدند.

شیراز و اصفهان و حتی تهران نیز به علل گوناگون و از جمله شرایط مناسب آب و هوایی، وجود طیف گسترده ای از امکانات و خدمات در دسترس مقصد برخی دیگر از اقشار اجتماعی شد و بدین ترتیب رشد و توسعه یافتگی استانهای همجوار به عامل خروج سرمایه های انسانی و اقتصادی بوشهر مبدل گشت. اگر یک پژوهش دقیق و جامع از لحاظ جامعه شناختی و

اقتصادی صورت پذیرد نشان خواهد که جمعیت بوشهری های ساکن تهران و یا شیراز از کدام پایگاه و خاستگاه اجتماعی برخوردار بوده و چه نقشی در اقتصاد مراکز مورد نظر داشته اند. برای نمونه این مطالعه احتمالی نشان خواهد داد چند درصد از املاک و ساختمانهای مسکونی و تجاری شهر شیراز به مهاجران بوشهری اختصاص دارد. هر پند امروزه آمار دقیقی در دست نیست اما براساس حدسیات و شواهد میدانی میتوان تخمین زد که از هر ده خانواده بوشهر چهار خانواده در شیراز صاحب املاک هستند. بهر صورت این پدیده نتایج منفی در اقتصاد و اجتماع بوشهر و از نظر این پژوهش یکی از موانع توسعه بوشهر بشمار میاید..

نتیجه :

بوشهر از ابتدای بنیاد آن در عهد نادرشاه افشار که حتی بدین علت مدتی هم بندر مبارکه نادریه خوانده شد تا اواسط قرن سیزدهم قمری به عنوان بزرگترین بندر ایران در خلیج فارس و نیز دروازه ورود مدرنیته و مظاهر مدرنیسم به جنوب ایران مطرح بود. در نیمه دوم قرن بیستم بوشهر از توسعه باز ماند و رفته رفته به شهری محروم مبدل گشت. علل و زمینه های توسعه نیافتگی بوشهر در هفتاد سال گذشته از ماهیتی تاریخی برخوردار است. به سخن دیگر موانع توسعه بوشهر در طی یک روند تاریخی شکل گرفته و ظاهر شده اند و محصول یک برنامه و سیاست یکروزه نیستند. برای رفع محرومیت بوشهر و سوق دادن آن بسوی توسعه بایستی موانع موجود را شناخت و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مقاله در پی تشریح و تبیین موانع موجود بر سرراه توسعه بوشهر از دیدگاه و منظر تاریخی است. بدیهی است که این پدیده یعنی موانع توسعه بوشهر پدیده ای چند وجهی است و میتوان آن را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داد.

موانع توسعه بوشهر بر دو دسته کلی قابل تقسیم هستند. الف : موانع بیرونی و ب : موانع درونی. مراد از موانع درونی آن دسته از عوامل و زمینه هایی هستند که در درون شهر و استان باعث عقب ماندگی محرومیت شده و جامعه را از رسیدن به توسعه باز داشته است. منظور از عوامل بیرونی نیز آن دسته از علل و زمینه هایی است که از خارج استان بر شهر تحمیل شده و عملاً مانع توسعه شهر و استان بوشهر شده است. این تقسیم بندی بسیار مهم و کاربردی است.

در بین موانع تاریخی مهمی که بر سرراه توسعه بوشهر قرار دارد میتوان به ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر اشاره نمود. چگونگی تضعیف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل شد. تحولاتی که بعد از انقلاب مشروطیت رخداد و با بروز جنگ های اول و دوم جهانی تشدید شد از زمینه های مهم تضعیف جامعه تجاری بوشهر بود. در واقع شکوفایی بوشهر در دوران طلایی خویش مدیون حضور تجار و وجود جامعه تجاری قدرتمند آن بود و تنزل آن در نیمه دوم قرن بیستم نتیجه خروج و مهاجرت تجار از آن بود. گذر از آن دوران اوج بوشهر به دوران تنزل نتیجه همان تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی بود که در طی مقاله مفصلاً بدان پرداخته شده است. بر این اساس باید گفت یکی از عوامل توسعه نیافتگی بوشهر و عدم احیای جایگاه تاریخی آن همان تداوم ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر است. بنابراین احیای جامعه تجاری بوشهر رمز ترقی دوباره بوشهر و توسعه آن خواهد بود زیرا بوشهر بنا بر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی خود بایستی بر مبنای اقتصاد دریایی و تجارت آزاد سازماندهی شده و اداره گردد. ارکان اصلی اقتصاد بوشهر تجارت و دریانوردی است، دریا نوردی شامل صیادی و دریانوردی تجاری می باشد. این هر دو رکن باید احیا شده و از شرایط و کیفیت سنتی خارج گردد تا قادر به ایفای نقش تاریخی خود در اقتصاد بوشهر شود. احیای تجارت در بوشهر و احیای جامعه تجاری آن نوید بخش بازگشت دوران طلایی و درخشان این بندر تاریخی بشمار میرود. با توجه به رشد و پیشرفت فناوری ها و رشد شاخص های عمومی انتظار می رود که سرمایه گذاری ها در بوشهر دارای جهت و هدف باشد و این هدف و جهت جز احیا جایگاه درخشان بوشهر با توجه به ملاحظات امروزی و ضروری نمی تواند باشد.

منابع و ماخذ:

- ۱- آمار تپاسن، توسعه یعنی آزادی ترجمه محمدسعید نوری نایینی تهران نشر نی ۱۳۸۳
- ۲- آمار تپاسن، مفهوم توسعه ترجمه علی گودرزی مجله راهبرد توسعه شماره ۱۲ سال ۱۳۸۶
- ۳- احمدی پور زهرا و دیگران، نقش جغرافیایی قدرت و حمایت در شکل گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۶
- ۴- اسدپور حمید، تاریخ شبانکاره انتشارات دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۵ بوشهر.
- ۵- اسدپور حمید، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فاری در عهد افشاریه و زندیه. تهران نگارستان اندیشه ۱۳۹۷.
- ۶- اسلام دوست علیرضا، نقش پایگاه هوایی ششم شکاری بوشهر. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۴
- ۷- بحرینی فروغ، معین التجار بوشهری. نشریه اسناد بهارستان ۱۳۹۴
- ۸- برازجانی سیامک، تاریخ شفاهی بازار بوشهر نشر پاتیزه بوشهر ۱۳۹۷
- ۹- برومند صفورا، اسرکنسولگری بریتانیا در بوشهر. انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۸۱
- ۱۰- بی تی باتامور، جامعه شناسی ترجمه حسن حسینی تهران ۱۳۵۷
- ۱۱- تقوایی زحمتکش شیوا، اقتصاد بندر بوشهر ررر و بندر عباس در دوره پهلوی اول. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۱۳۹۳
- ۱۲- تقی زاده حسن، زندگی توفانی. تهران ۱۳۶۸
- ۱۳- کبابی سدیدالسلطنه محمدعلی، پیرامون سرزمین های شمالی خلیج فارس در صد سال گذشته. تهران ۱۳۷۱
- ۱۴- کرپیور محمد، زیراه، حوزه هنر بوشهر ۱۳۹۳
- ۱۵- کنین عبدالحسین، جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر تهران نشر طلوع ۱۳۸۸
- ۱۶- دشتی احمد، نقش تجار بوشهر در مدرسه سعادت. نشر همسایه ۱۳۸۷
- ۱۷- دشتی رضا. تاریخ سیاسی و اجتماعی بوشهر تهران ۱۳۸۰
- ۱۸- فلور وولیم. ظهور و سقوط بوشهر ترجمه حسن زنگنه. طلوع دانش تهران ۱۳۷۸
- ۱۹- فراشبندی علیمیراد. جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری. تهران ۱۳۶۵
- ۲۰- فارسانی ترابی سهیلا. تجار مشروطیت و دولت مدرن. تهران ۱۳۸۴
- ۲۱- پدیدار مجتبی، اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر. بوشهر ۱۳۹۳
- ۲۲- قدیری محمود و دیگران. تحلیل تطبیقی شاخص های توسعه پایدار در بوشهر با مناطق کشور. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۳۹۳
- ۲۳- لکههارت لارنس. نادرشاه. تهران ۱۳۵۷
- ۲۴- مشایخی عبدالکریم مشروطیت در بوشهر نشریه پژوهشهای تاریخی ایران و اسلام. ۱۳۷۸
- ۲۵- مظفری زاده علیرضا، تاریخ خاندان آل مذکور. بوشهر ۱۳۹۵
- ۲۶- رجایی عباس. تحلیل فضایی فرایندهای شهر نشینی در منطقه جنوبی کشور. مجموعه مقالات همایش ملی عسلویه ۱۳۹۴

- ۲۷- طالبان محمد رضا. معضل تعریف توسعه. نشریه روش شناسی حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۷
- ۲۸- سعادت محمد حسین. تاریخ بوشهر. نشر کازرونیه ۱۳۹۰
- ۲۹- سعیدی نیا حبیب الله. گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت. انتشارات دانشگاه خلیج فارس ۱۳۸۹.
- ۳۰- سرابی محمد حسین و دیگران. ارزیابی توسعه پایدار اجتماعی بوشهر از منظر عوامل اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی ۱۳۸۹.
- ۳۱- وثوقی محمد باقر. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. سمت تهران ۱۳۸۴
- ۳۲- ملایی مریم. در باب چیستی توسعه. نشریه راهبرد توسعه. شماره ۴۸ ۱۳۹۵
- ۳۳- مستوفی عبدالله. شرح زندگانی من. تهران نشر زوار ۱۳۷۱
- ۳۴- ممسنی سوگل و دیگران. تحلیل تطبیقی شاخص های توسعه پایدار بوشهر. فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیایی ۱۳۹۵
- ۳۵- موحد جمیل. بستک و جهانگیریه. انتشارات بال کبوتران تهران ۱۳۸۴
- ۳۶- معزی فاطمه. جوادبوشهری. موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۳۷- شاهرخ مقدم پروانه. مهاجرت تجار دهدشتی به بوشهر. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۱
- ۳۸- موریس پزارد. ماموریت در بندر بوشهر. ترجمه ضیا مصلح ۱۳۸۴
- ۳۹- کامرون جورج. ایران در سپیدهدم تاریخ. ترجمه حسن انوشه ۱۳۶۵
- ۴۰- نظام مافی خدیجه. حکومت بوشهر. ۲ جلد تهران ۱۳۹۱
- ۴۱- نعمتی نورالدین. تاثیر سیاست های اقتصادی پهلوی اول بر اقتصاد بوشهر. مجله پژوهش های ایران شناسی ۱۳۹۳
- ۴۲- زنگی آبادی علی و دیگران. تحلیل فضایی توسعه منطقه ای در استان بوشهر. فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای ۱۳۹۲
- ۴۳- هاشمی پور ظهرا. آرامنه در بوشهر. حوزه هنری ۱۳۹۵
- ۴۴- عیسوی چارلز. تاریخ اقتصادی ایران ترجمه یعقوب آژند ۱۳۶۹
- ۴۵- یاکوب پولاک. سفرنامه پولاک. ترجمه کیکوس جهانگیری تهران ۱۳۶۸.
- ۴۶- سفیری فلوریدا پلیس جنوب ایران. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران نشر تاریخ ایران..
- ۴۷- یاحسینی سیدقاسم، خاطرات ماشالله کازرونی. ۱۳۸۸. تهران سوره مهر

